



Evaluation of Women's Role in Curtaining Poverty Through Resistive Economy Approaches (Case Study: Chalous, Iran)

ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Khajevand Ahmadi E.¹ MA,
Sanaii M.^{*2} PhD

How to cite this article

Khajevand Ahmadi E, Sanaii M. Evaluation of Women's Role in Curtaining Poverty Through Resistive Economy Approaches (Case Study: Chalous, Iran). Women Empowerment & Sustainable Society Journal. 2020;1(1):79-86.

¹Department of Political Sociology, Science and Research Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

²Department of Urbanization, Kamalolmolk Institute of Higher Education, Nowshahr, Iran

*Correspondence

Address: No. 60, Kamalolmolk University Complex, Razi Street, Noshahr Mazandaran, Iran. Postal Code: 4651736817.

Phone: +98 (11) 52337447

Fax: +98 (11) 52337328
majid.sanaei1396@gmail.com

Article History

Received: November 02, 2019

Accepted: February 15, 2020

ePublished: June 12, 2020

ABSTRACT

Aims & Backgrounds Resistive economy is an elementary measure to change the current economic structure and to localize it in order to make the country liberated from oil-based resources. Also, it aims to make the economy more dynamic via concentrating on each region's specific capabilities. The present research is intended to examine and evaluate the role of women in decreasing urban poverty through resistive economy approaches in Chalous to assess the impact of women's activity in this situation.

Methodology This research was a practical developing study and, in terms of methodology, it was descriptive-analytical. The sample consisted of 100 individuals some of whom had participated in the economic projects of Basij-e Sazandegi of Chalous Guardian Corps., while others did not take part in the projects and were in need of financial and instructional aides to attain their economic and entrepreneurial goals. The study is based on comparison of these two groups. To analyze the data, Pearson's correlation and t-test were used.

Findings The findings showed that there was a significant correlation between resistive economy development and supporting working women and then decreasing urban poverty.

Conclusion Increasing women's participation, holding various courses for women and their families, demonstrating their capabilities for the community, gaining a basic understanding of individuals' potentials, paying attention to elite people and providing financial and spiritual support for people and families are the most important measures to enhance women's conditions and empower them to fight against poverty within the resistive economy framework.

Keywords Women; Urban Poverty; Resistive Economy; Chalous; Urban Elite

CITATION LINKS

[Abdoli M; 1993] System of managing urban community garbage and ways to control it; [Azkia M; 2009] Sociology of rural development and underdevelopment of Iran; [Eighth International Conference on Women's Health; 2019] Eighth International Conference on Women's Health; [Elmi Z, Roostaei Shalmani K; 2014] Impact of development on female economic participation in MENA countries by fractional panel Probit model; [Eskandari M; 2016] Characteristics of a resistive economy; [Fanni Z, Farajzade M; 2015] Female job empowering and urban sustainable development (case study: region18 in Tehran); [Gandomkar F, Qaderi M; 2019] Study of employed and unemployed women's psychic health: A review study; [Ghadiri Asl B; 2012] The basics of economy; [Ghaffarpour D, Pourhatami Z; 2014] Resistance economy: Strategies and techniques; [Hesari J; 2015] The importance of women's role in economy; [Irvani MR; 2005] Women, high educational system and employment; [Jafari A, Ahangari M; 2012] Strategy of resistance economy; [Javaheri pour M; 2003] Asian challenge of urban poverty; [Kamrani Rad A; 2014] A comprehensive definition of resistive economy; [Khalatbari F; 1985] Self-learning economy; [Khomeini RA; 1990] The last message, the political and divine of his holiness; [Kooshkbaghi E; 2016] Explication of resistance economy; [Masjedani M; 1992] Study on employment, income, recreation, job satisfaction of women in Isfahan; [Mokhber A; 1986] Local planning and rural development: Alternative approaches; [Nakhaei M, Najarzadeh R; 2003] Key terms in macro and micro economy; [Nasiri I; 2014] Strategies for diminishing urban poverty with emphasis on local communities (Case study of Bisimshahr neighborhood of Zanjan); [Peykar Boroujeni Z; 2013] Women's role in resistive economy; [Phillips R, Pittman RH; 2009] A review of "an introduction to community development"; [Rafiean M; 2014] Community capacity building as an approach in empowering social institutions; [Saeedian F; 2004] Employment of women and the change of women's role in family; [Sheikhi MT; 2009] Sociology of women and family; [Yazdani MH; 2005] Evaluation of women's attitude toward the importance of working in strengthening family relationship

ارزیابی نقش زنان در کاهش فقر شهری از طریق رویکردهای اقتصاد مقاومتی (نمونه موردی: شهرستان چالوس)

مجید سنایی* PhD

گروه شهرسازی، موسسه آموزش عالی کمال‌الملک نوشهر، نوشهر، ایران

عیسی خواجهوند احمدی PhD

گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

اهداف و زمینه‌ها: بحث اقتصاد مقاومتی یکی از راهکارهای اساسی جهت تغییر در ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن است و موجب رهایی از اتکالی کشور به منابع نفتی و پویایی اقتصادی از طریق توجه به مفاهیم پایه و منابع بومی هر منطقه از کشور است. تحقیق حاضر با هدف بررسی و ارزیابی نقش زنان در کاهش فقر شهری از طریق رویکردهای اقتصاد مقاومتی در شهرستان چالوس سعی دارد تا به تحلیل نقش زنان به‌عنوان یکی از ارکان اجتماعی و اقتصادی کشور بپردازد و رابطه میان اقتصاد مقاومتی و کاهش فقر شهری از طریق ارتقاء فعالیت زنان در این عرصه را در این محدوده بررسی نماید.

روش‌شناسی: این پژوهش از نوع تحقیقات توسعه‌ای کاربردی بوده و به لحاظ روش، توصیفی تحلیلی است. تعداد نمونه‌ها در این پژوهش ۱۰۰ نفر بوده‌اند که بخشی از آنها در طرح اقتصاد مقاومتی بسیج سازندگی ناحیه سپاه چالوس شرکت داشته و مابقی کسانی هستند که در این طرح حضور نداشته و برای کارآفرینی و دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی نیازمند یاری مالی و آموزشی هستند و از این طریق تحلیلی مقایسه‌ای نیز صورت خواهد پذیرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی پیرسون و تی تک نمونه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها: بررسی‌های صورت گرفته در این تحقیق بر روی زنان شاغل در حوزه‌های مختلف تحت حمایت اقتصاد مقاومتی و نیز زنانی که با توجه به رونق کار گروه اول تمایل به استفاده از تسهیلات اقتصاد مقاومتی بوده‌اند است. براساس مطالعه اسناد موجود در بسیج سازندگی سپاه ناحیه چالوس در سال ۱۳۹۴ تعداد ۲۵ نفر از زنان این شهرستان اقدام به اخذ تسهیلات اقتصاد مقاومتی نموده و فعالیت خود را در حوزه‌هایی که در جدول ۱ آمده است آغاز نموده‌اند. کلیه زنان مذکور از نحوه عملکرد و برداشت و فروش محصولات خود رضایت کامل داشته‌اند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد رابطه معناداری میان توسعه اقتصاد مقاومتی و حمایت از زنان در این عرصه و کاهش فقر شهری وجود دارد. افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی، برگزاری دوره‌های آموزشی برای زنان و خانواده‌هایشان و شناساندن توانمندی‌های آنان به خود و جامعه، شناخت پایه‌ای از پتانسیل‌های محدوده زندگی افراد، توجه به نخبگان زن در شهرها، حمایت مالی و معنوی از افراد و خانواده‌ها و مسائلی از این دست به‌عنوان مهم‌ترین معیارها جهت ارتقاء جایگاه زنان در کاهش فقر شهری در چارچوب اقتصاد مقاومتی هستند.

کلیدواژه‌ها: زن، فقر شهری، اقتصاد مقاومتی، شهرستان چالوس، نخبگان شهری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

*نویسنده مسئول: majid.sanaei1396@gmail.com

مقدمه

در دنیای مدرن، زندگی در شهرها شرایط متفاوتی از نظر اقتصادی،

اجتماعی را به نمایش می‌گذارد، یکی از این ویژگی‌ها که تبعات متعددی را نیز بر پیکره شهر می‌گذارد، فقر شهری است. فقر و محرومیت واژه‌هایی است که تعاریف و برداشت‌های گوناگونی از آن وجود دارد. جامعه‌شناسان، فقر را معیاری برای سنجش عدالت اجتماعی در یک جامعه مفروض می‌دانند و اقتصاددانان نیز آن را درآمد افراد یا خانوارها می‌دانند. به عبارت دیگر میزان درآمد سرانه را شاخصی برای اندازه‌گیری فقر و غنای افراد یک جامعه در نظر می‌گیرند [Azkia, 2010: 10]. افزایش فقر شهر در پی افزایش فاصله طبقاتی در شهر و محلات شهری به‌عنوان یکی از مسائلی است که مشکلاتی همچون افزایش جرائم شهری، عقب‌ماندگی شهرها و ناهنجاری‌های شهری را ایجاد نموده است و عدم توجه به ارایه راهکارهای موثر برای رفع و یا کاهش آن می‌تواند تبعات اجتماعی و اقتصادی و حتی سیاسی دیگری را به دنبال داشته باشد [Nasiri, 2003: 107]. از سوی دیگر امروزه در حوزه مدیریت سازمان‌ها، برداشت‌ها و تعاریف گوناگونی از راهبرد وجود دارد؛ اما موضوعی که تقریباً در همه موارد مشترک است و آنها را به هم پیوند می‌دهد، تعیین جهت‌گیری آینده سازمان و انتخاب مسیری برای هدایت سازمان به سوی آن است. در این میان برای کاهش فقر، برخی راه‌حل‌های توسعه‌ای بیگانه و براساس فرض‌های ناصحیح بوده و نه از نظر اقتصادی امکان‌پذیر بوده و نه با شرایط فرهنگی و اجتماعی جوامع مطابقت داشته است. از یک سو برخی راه‌های تکنیکی برای حل مشکلات در سطح محلی مناسب نبوده و مورد پذیرش قرار نگرفته‌اند و از سوی دیگر، طرح‌های توسعه‌ای اغلب به نفع تعداد معدودی از گروه‌های خاصی در جامعه بوده است. اما برنامه‌ریزی از پایین به بالا زمانی امکان پذیر است که مسئولان سه چیز را بپذیرند: که اکثریت مردم دانش و بینش لازم جهت تدوین و اجرای برنامه‌ها را دارند که بکارگیری ابتکار توده‌ها جهت اجرای برنامه‌ها فوق‌العاده اهمیت دارد و موثرترین راه تأمین این مهم، مشارکت دادن آنها در فرایند کار است و بالاخره تلاش‌های ویژه و پر زحمتی باید انجام بگیرد تا مکانیسمی برای گفت و گو با مردم فراهم شود [Mokhber, 1986: 116]. رویکرد توسعه محلی بیش از هر چیزی ناظر بر پرورش توانایی‌های افراد است تا بتوانند مسائل مهم اجتماع خود را به شکلی مستقل و کارا حل و فصل کنند [Phillips & Pittman, 2009: 61]. یکی از مهم‌ترین راهکارهای کاهش فقر و البته توسعه اقتصادی، بحث اقتصاد مقاومتی است که با بهره‌گیری از اجتماعات محلی و خود مردم اقتصاد شکوفا شده و می‌تواند به کاهش فقر کمک نماید. برخی محققان بر این باورند که ظرفیت اجتماعات می‌تواند به عنوان ابزاری برای حمایت از مسائلی مرتبط با ساختارهای پیش روی اجتماعی و انسانی، ابزار اجتماعی برنامه‌ریزی و ابزاری جهت توانمندسازی به کار رود [Rafeian et al, 2014: 133]. بخش مهمی از سرمایه‌های اجتماعی در سکونتگاه‌های شهری و روستایی در هر سرزمینی را زنان تشکیل می‌دهند که توجه به توانمندی‌های آنان و نیز ارایه امکانات اولیه به آنان در سایه اقتصاد مقاومتی می‌تواند راهگشای موثری در زمینه

خداست که بی‌نیاز و غنی بوده و ستوده صفات است) فقر مالی: سوره توبه آیه ۶۰: مصرف صدقات منحصرأً مختص فقرا و مساکین است.

فقر الی الله: (اللهم اغنی بالافتخار الیک و لا تغفرنی بالاستغناء عنک) یعنی خدایا! با حرکت به سوی تو بی‌نیازم کن و نیامرز مرا آنگاه که از تو بی‌نیاز می‌شوم.

اقتصاد: اقتصاد در فارسی به معنای میانه‌روی و متعادل بودن دخل و خرج است و در اصطلاح، تعریف عموماً پذیرفته‌شده‌ای در میان اقتصاددانان وجود ندارد؛ زیرا تعاریف داده شده در درجه نخست از جامعیت لازم برخوردار نبوده و در ثانی با مسلم فرض کردن موضوعات، این تعاریف به دور باطلی از تعاریف جدید کشیده می‌شود؛ با این همه می‌توان گفت موضوع اقتصاد عبارت است از ثروت (کالاها، خدمات و منابع)، از حیث چگونگی تولید، توزیع و مصرف آن [Khalatbari, 1985: 8]. علم اقتصاد از زیرمجموعه‌های علوم اجتماعی است که با نوشتن کتاب ثروت و ملل آدم اسمیت (پدر علم اقتصاد) در سال ۱۷۷۶ میلادی به صورت علمی مستقل ارایه شد. به معنای وسیع کلمه، اقتصاد مطالعه در بهزیستی انسان دارد [Ghadiri Asl, 2012: 19]. بررسی روش‌های مختلف با هدف به کاربردن منابع کمیاب و محدود جامعه برای تولید انواع کالاها و خدمات در جامعه به‌منظور ارضاء و تامین هر چه بیشتر و بهتر خواسته‌ها و نیازهای نامحدود افراد جامعه در علم اقتصاد صورت می‌گیرد [Nakhaei & Najarzade, 2003: 92].

اقتصاد مقاومتی: بنا به تعریف برخی از اقتصاددانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن براساس جهان‌بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هرچه بیشتر به سمت محدودکردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می‌کند [Ghaffarpour & Pourhatami, 2014: 1]. در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریم‌های یک جانبه و غیرانسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، واژه جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گرفته است [Kamrani Rad, 2014: 1]. اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی اشاره به ساختاری نظام‌مند دارد که در آن

رفع یا کاهش فقر شهری گردد. شهرستان چالوس در استان مازندران یکی از مناطقی است که با ترکیب محله‌های مختلف دارای ناهمگونی‌های اجتماعی و اقتصادی است وجود فقر در میان اقشار شهری موجب شده است تا برنامه‌های مدیران و برنامه‌ریزان شهری دچار چالش‌های زیادی در اجرا گردد. در عین حال توجه به توانایی‌هایی که در هر محله وجود داشته و بهره‌گیری از اصول اقتصاد مقاومتی و البته سهیم‌نمودن زنان در این عرصه می‌تواند راهکاری برای رفع این معضل باشد. در این پژوهش ضمن شناخت توانمندی‌های زنان در توسعه اقتصادی در سایه اقتصاد مقاومتی، تأثیر این قشر از جامعه، در کاهش فقر شهری در محدوده مورد مطالعه مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و در نهایت راهبردهای موثر جهت توانمندسازی اجتماعات محلی با رویکرد اقتصاد مقاومتی برای کاهش فقر شهری ارایه می‌گردد.

فقر: فقر و محرومیت واژه‌هایی هستند که تعاریف و برداشت‌های گوناگونی از آنها وجود دارد. جامعه‌شناسان فقر را معیاری برای سنجش عدالت اجتماعی در یک جامعه می‌دانند و اقتصاددانان آن را درآمد افراد یا خانوارها و یا به عبارتی، میزان درآمد سرانه را شاخصی برای اندازه‌گیری فقر و غنای افراد یک جامعه در نظر می‌گیرند. واژه فقر در لغتنامه عمدتاً درویشی و نداری معنی شده است. فقر یکی از انواع پدیده‌های اجتماعی است و از ریشه لاتین Pourg است با ریشه یونانی «فقیر» و در لاتین این کلمه با واژه‌های «گرسنه»، «درد» و «مکافات و مجازات» هم‌خانواده است. اما انسان فقیر کسی است که در شرایط دشوار به زندگی خود ادامه می‌دهد و باید او را در شرایط خود بررسی کرد. وی فردی است که باید برای تجلیل و تأیید خود مبارزه کند کسی که باید خود را با شرایط وفق دهد و برای ادامه حیات و بهبود سرنوشت خود تصمیمات ظریف و درستی اتخاذ کند. بنابراین فقیر هرگز به صرف اینکه درآمد اندکی دارد موجود ناتوانی نیست [Azkia, 2010: 10].

فقر شهری: در واپسین دهه‌های قرن بیستم فرایندهای گوناگونی موجب شکل‌گیری پدیده‌ای به نام «شهری شدن فقر» یا «فقر شهری» شد که یکی از بازتاب‌های کالبدی آن در ساخت‌یابی سکونتگاه‌های غیررسمی تبلور یافته است. فرجام ناگزیر توسعه شهری به دلیل سرریز نیروی کار مناطق روستایی و ناکارآمدی سیاست‌های تعدیل اقتصادی در دهه هشتاد میلادی و تأثیر آن بر کاهش آهنگ توسعه اقتصادی باعث شد بر شمار گروه‌های آسیب‌پذیرتر به ویژه در کشورهای در حال توسعه افزوده شود و به تدریج کانون فقر از روستا به شهر انتقال یابد [Javaheri pour, 2002: 127].

فقر در اسلام: مکتب اسلام همانند سایر مکاتب دینی، فقر را پدیده‌ای شوم و مذموم در جامعه دانسته و رهبران جامعه اسلامی را موظف به از بین بردن آن نموده است. در متون اسلامی فقر به چهار دسته تقسیم شده است.

فقر ذاتی: که آن نه‌تنها برای انسان تا هنگامی که به زندگی ادامه می‌دهد، عمومیت دارد، بلکه تمامی موجودات را در بر می‌گیرد (سوره فاطر، آیه ۱۵: ای مردم! شما همه به خدا فقیر و محتاجید و تنها

تهدیدات به فرصت‌ها بدل شده و زمینه رشد و توسعه اقتصادی و نهایتاً عدالت اجتماعی از دل آن به وقوع خواهد پیوست. تحقق اقتصاد مقاومتی به مثابه یک هدف مورد نظر است، که نتیجه آن قطع وابستگی و جلوگیری از فشارهای اقتصادی دشمنان خواهد بود. به عبارت دیگر، اقتصاد مقاومتی با تاکید بر ارایه آزادی عمل بیشتر به مردم و اقتصاد داخلی و حتی افزایش برنامه‌های توسعه‌ای سعی می‌نماید خود را در مقابل توطئه‌های دشمنان و حتی رقبای اقتصادی مقاوم کند، تا شرایط اقتصادی که بعضاً از جانب رقبای اقتصاد ملی تحمیل می‌شود، نتواند زمینه تسلط آنان را بر کشور فراهم کند [Kooshkbaghi, 2016: 1].

اقتصاد مقاومتی دو پیام اساسی برای مکانیسم تولید دارد به طوری که تولیدکنندگان داخلی به کیفیت و رضایت مشتری عنایت نمایند و مصرف‌کنندگان برای جلوگیری از خروج ارز، منابع مالی کشور، آسیب رسیدن به اقتصاد ایران، جلوگیری از بیکاری و حمایت از تولید ملی به خرید کالاهای داخلی مبادرت ورزند. اقتصاد مقاومتی پایه‌های استوار خود را بر روی دو عنصر لایتجاری اقتصادی یعنی تولید ملی و مصرف ملی بنیان نهاده است. اقتصاد مقاومتی بر آن است که تبیین کند: زبینه یک نظام نوبنیاد اسلامی نیست مدیران اقتصادی در تز تجاری واردات بیشتر از صادرات کالاهای نهایه‌ای را در کارنامه اقتصاد داشته باشند و برای واردات منافع خام را بفروشند و این امر وابستگی و آسیب‌پذیری اقتصاد ایران را مضاعف می‌نماید. اقتصاد مقاومتی پیام شفاف برای سیاستگذاران دارد و آن تولید مبنی بر تفکر، سرمایه و کار ایرانی بدون اتکاء به درآمد منابع خام ولی متکی بر ثروت ملی برآمده از منابع خام است [Jafari & Ahangari, 2012: 82]. توانمندسازی نیروی انسانی و تقویت شرایط رقابتی در فضای اقتصادی از مؤلفه‌های ضروری برای تکوین یک اقتصاد با روحیه مقاومتی است. الگوی اقتصاد مقاومتی به نوعی مدل جامعی است از اقتصادی که به پشتوانه‌های درونی پایبند بوده و تحت تأثیر خارج از خود نیست. البته این عدم تأثیرپذیری به منزله بی‌تفاوتی نسبت به اقتصاد منطقه و جهان قلمداد نمی‌شود، بلکه معنا و مفهوم این مدل غلبه توانمندی‌های اقتصاد ایران بر اقتضائات و محدودیت‌هایی است که صاحبان اقتصاد جهانی سعی دارند بر اقتصاد ایران تحمیل کنند. الگوی اقتصاد مقاومتی یک الگوی جامع است که نهادینه‌سازی و اجرای آن نیازمند اعمال اصلاحات ساختاری است. مهم‌ترین مؤلفه در این الگوی اقتصادی، تأکید بر توان داخلی برای تولید و ثروت‌آفرینی است با این حال این مدل اقتصادی نسبت به بازار و شرایط اقتصادی منطقه و جهان کاملاً هوشیار و فعال است و در عین حال تلاش دارد تا بیشترین تأثیرگذاری مثبت و کمترین اثرپذیری منفی را داشته باشد [Eskandari, 2016].

زنان، اقتصاد مقاومتی و توسعه: یکی از مسائل مهمی که در بحث توسعه مطرح است، جایگاه و نقش زنان در توسعه است. توسعه یعنی تعالی انسان‌ها و کاهش نابرابری‌ها و بدون در نظر گرفتن زنان دستیابی به توسعه واقعی میسر نخواهد بود. زنان به‌عنوان

نیمی از جمعیت کشور می‌توانند با مشارکت گسترده در بخش‌های مختلف اقتصادی، چرخ‌های اقتصاد کشور را به حرکت در آورده و در توسعه اقتصاد و پیشبرد اهداف جوامع سهم به سزائی داشته باشند. دادن اختیار به زنان، همزمان با گسترش زمینه‌ها و ارتقاء سطح مشارکت آنها می‌تواند گامی اساسی در سرعت‌بخشیدن به آهنگ رشد توسعه در تمامی ابعاد آن باشد [Abdoli, 1993: 17]. همچنین قدرت‌دادن به زنان و برداشتن موانع از سر راه آنان، باعث بهبود وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها در جامعه می‌گردد که این جریان می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار نیز باشد. در حال حاضر زنان بیش از هر زمان دیگری به کار اشتغال دارند و در قبال آن نیز دستمزد دریافت می‌کنند. مطالعات جهانی مربوط به نقش زنان در توسعه اقتصادی بیانگر این است که زنان به شکل بی‌سابقه-ای به بازارهای کار وارد می‌شوند و حتی در برخی موارد تعداد آنها بیشتر از مردان بوده است، طبق بررسی‌ها نسبت زنان شاغل به مردان در فعالیت‌های اقتصادی طی بیست سال اخیر دو برابر شده است. یکی از مسائل مهمی که می‌تواند نقش به سزائی در توسعه کشورها داشته باشد آموزش زنان و مشارکت آنها در بازار کار است. در هر جامعه‌ای پرورش نسل آینده بر عهده زنان است و اگر آنان وارد بازار کار نیز شوند آموزش می‌تواند آنها را در پرورش بهتر فرزندان کمک کند. از طریق آموزش در سطوح مختلف و در اختیار قراردادن امکانات کافی از توانایی‌های زنان می‌توان بیشترین بهره‌برداری را در جریان توسعه به عمل آورد و موقعیت زنان را بالا برده و قدرت بیشتری را در جامعه به دست آورند. همچنین از طریق آموزش و کسب علم، حمایت‌ها و اتکاء به نفس، زنان می‌توانند در فرایند توسعه، مشارکت فزاینده‌ای داشته باشند [Sheikhi, 2009: 137]. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که آموزش زنان می‌تواند تأثیر مثبتی در مشارکت آنها در زندگی اقتصادی، گستردگی امکان اشتغال، افزایش توقعات و انتظارات و تضعیف نفوذ سنت‌های فرهنگی و غیره داشته باشد و هر اندازه امکانات و تسهیلات آموزشی و تربیت حرفه‌ای برای زنان بیشتر فراهم گردد موانع و مشکلات برای به دست آوردن مشاغل سطح بالاتر با حقوق و مزایای بهتر کاهش می‌یابد. علاوه بر این ایجاد زمینه‌های مشارکت در خارج از منزل و اشتغال زنان می‌تواند منجر به کاهش باروری گردد و گسترش زمینه‌های اشتغال و آموزش زنان زمینه استفاده از سایر روش‌های کنترل جمعیت و موفقیت آنها را به همراه دارد [Irvani, 2005: 143]. تحقیقات نشان داده است که هرچه اشتغال زنان در اقتصاد بیشتر باشد، جهان ثروتمندتر و مرفه‌تر خواهد شد و این در حالی است که سهم زنان از مشاغل جهان عمدتاً مربوط به مشاغل سخت و کم‌درآمد است. با این حال در دهه‌های اخیر سهم اشتغال و نقش آفرینی زنان در اقتصاد جهانی بسیار بیشتر از نسل پیشین بوده است. علاوه بر این درصد دانشجویان دختر در دانشگاه‌های جهان، نسبت به مردان بیشتر شده است. ولی هنوز تا کم رنگ شدن دنیای مردانه فاصله بسیاری باقی است.

زنان به‌عنوان یکی از عوامل غیرمشهود در اقتصاد کشاورزی و منابع

طبیعی سهم فراوانی از کل نیروی انسانی مورد نیاز این بخش را در سطح جهان تشکیل می‌دهند. همچنین نیروی عمده برای تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستایی و افزایش هر چه بیشتر تولیدات مواد غذایی هستند. خاورمیانه در مقایسه با دیگر مناطق جهان پایین‌ترین نرخ فعالیت اقتصادی زنان را دارد. در دهه ۱۹۸۰ این نرخ از ۱۵٪ فراتر نرفت، در حالی که در این مدت نرخ یادشده در شرق آسیا تقریباً ۶۰٪ بود در آغاز دهه ۱۹۹۰ سهم زنان از کل نیروی کار در کشورهای عربی منطقه فقط ۱۷٪ بود به گزارش صندوق توسعه زنان سازمان ملل، زنان در جهان عرب کمتر از ۲۸٪ نیروی کار را تشکیل می‌دهند، به خصوص در مصر و لبنان زنان کمتر از ۲۲٪ کل نیروی کار را به خود اختصاص می‌دهند، در حالی که در عربستان سعودی، این نسبت فقط ۵٪ است که کمترین میزان از این دست در جهان است در ایران به همراه افزایش جمعیت جوان در کشور ورود زنان به عرصه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی چشمگیر بوده است و این در حالی است که بازار کار کشور دارای ساختارهایی نامناسب از نظر جذب نیروی کار به ویژه کار زنان است. افزایش جمعیت زنان بیکار و رشد بالای میزان بیکاری در سال‌های اخیر نه تنها به علت افزایش زاد و ولد در دهه ۶۰ بلکه به دلیل گرایش به تحصیلات دانشگاهی در میان زنان و تغییر نگرش آنها نسبت به فعالیت‌های اجتماعی است. در نهایت اینکه زنان شاغل با داشتن دیدی خلاق و برخورداری از مهارت‌های ویژه به‌عنوان فعال اقتصادی و عامل اصلی تربیت فرزندان، نقش مهمی در چرخه اقتصادی خانواده و جامعه بر عهده دارند و از این طریق خواهند توانست در عرصه تعلیم و تربیت، تغذیه سالم و فراهم‌کردن شرایط و تسهیلات مناسب زندگی، سلامت روحی و جسمی فرزندان خویش را تضمین نموده تا فرزندان سالم و مفیدی را به جامعه تقدیم نمایند که امید است بستر و شرایط فعالیت آنان بیشتر از پیش مهیا گردد [Hesari, 2015].

مسئله اقتصاد مقاومتی مفهومی است که برای مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود در اقتصاد مطرح شد. اقتصاد مقاومتی به دنبال آن است که با کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خودکفایی زمینه توسعه و پیشرفت را مهیا سازد. در این بین خانواده در جامعه به‌عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی در تربیت و پرورش منابع انسانی باید تقویت شود تا زمینه توسعه اقتصادی در کشور فراهم گردد. زنان در خانواده به‌عنوان عاملان پرورش و رشد نیروی کار می‌توانند در جریان بهره‌وری و تولید ملی سهم بسزایی داشته باشند. به‌عنوان مثال همانطور که می‌دانیم تأمین مایحتاج خانه و استفاده صحیح از آنها نیاز به برنامه‌ریزی صحیح دارد که زنان می‌توانند شرایطی را فراهم سازند تا با کمترین هزینه و بالاترین مطلوبیت نیازهای خانه و افراد خانواده تأمین شود. آنها می‌توانند در مواقع کمبود با حذف برخی امکانات، جایگزین مناسبی را انتخاب نمایند بدون آنکه در مطلوبیت آن تغییری ایجاد شود. پس اگر مدیریت اقتصادی خانواده را یکی از وظایف زنان بدانیم در این زمینه

فرهنگ‌سازی مطلوب و نهادینه کردن مجموعه‌ای از ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی متناسب با نقش زنان در اقتصاد ملی جامعه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود [Peykar Boroujeni, 2013]. از نظر امام خمینی (ره) اقتصاد به‌عنوان یک ابزار به حساب می‌آید و در ارتباط با نقش تربیتی و اقتصادی زنان و اشتغال آنان تأکید دارند [Khomeini, 1990: 4]. اشتغال زنان در جریان توسعه، امری گریزناپذیر و در مواردی با شدت‌یافتن نیازهای فرد و جامعه ضروری است. در پی ضرورت وجود برخی مشاغل خدماتی ویژه زنان و همچنین گسترش مشاغل خانگی و مسئله کارآفرینی زنان در سال‌های اخیر زمینه ورود جدی آنان به فعالیت‌های اقتصادی در جامعه فراهم شده است که این امر به نوبه خود باعث اشتغال‌زایی و افزایش درآمد ملی می‌شود [Peykar Boroujeni, 2013]. این مسئله در سایه اقتصاد مقاومتی می‌تواند به توسعه اقتصادی خانواده، شهر و در نهایت کشور کمک نماید. تاکنون مطالعات زیادی پیرامون اقتصاد، اشتغال زنان و کاهش فقر صورت گرفته است که برخی از آنها به شرح زیر آمده است: نتایج آماری مطالعه نصیری [Nasiri, 2003] در مقاله راهبردهای کاهش فقر شهری با تأکید بر اجتماعات محلی (مورد پژوهی: محله بی‌سیم شهر زنجان)، نشان داد که توجه به دیدگاه مردم با ضریب و تعامل و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها آزمون‌تی برابر ۲/۹ و ضریب بتا ۰/۴۳ بوده است، بر این اساس توجه به رویکرد برنامه‌های اجتماع‌محور در سیاست‌های کاهش فقر شهری ضروری است. جواهری پور [Javaheri Pour, 2003]، یافته‌های حاصل از تحقیق چالش جهانی فقر شهری، حاکی از آن است که توسعه اقتصادی موزون و ایسته به توسعه پایدار سکونتگاه‌های شهری است و در صورتی این امر تحقق می‌یابد که شهر بتواند از لحاظ اقتصادی مولد و از حیث اجتماعی فراگیر باشد. به بیان دیگر تمامی گروه‌های اجتماعی از جمله کم‌درآمدهای شهری بتوانند از دستاوردهای توسعه شهری بهره‌مند شوند. اسکان غیررسمی نمادی از فقر شهری است ولی در عین حال بخشی از سرمایه اقتصادی و اجتماعی شهرها به شمار می‌آید و نباید آن را فقط به مثابه مشکل نگریست، بلکه می‌توان با توانمندسازی ساکنان این سکونتگاه‌ها به توان اقتصادی شهرها افزود. نتایج پژوهش یزدانی [Yazdani, 2005] پیرامون بررسی دیدگاه زنان شاغل درباره تأثیر اشتغال زنان بر استحکام خانواده نشان می‌دهد که اشتغال زنان در خارج از منزل از نظر اقتصادی بر فرد و خانواده، موقعیت تحصیلی فرزندان و زن، جنبه‌های روحی زنان، فراهم‌کردن امکانات بهتر زندگی و رفاه بیشتر و مشارکت در اداره منزل تأثیر مثبت داشته است و از نظر اجتماعی نیز باعث ارتقاء منزلت اجتماعی زنان، کنترل جمعیت، سهولت دسترسی به توسعه و غیره شده است. ایروانی [Irvani, 2005] به این نتیجه رسید که از انگیزه‌های اشتغال زنان احتیاجات مالی، کسب درآمد و برطرف‌نمودن نیازهای زندگی بوده است. مطالعات نشان می‌دهد قدرت تصمیم‌گیری و همفکری زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار است و هر چه زن تحصیل‌کرده‌تر باشد زوجین از نظر

یافته‌ها

بررسی‌های صورت گرفته در این تحقیق بر روی زنان شاغل در حوزه‌های مختلف تحت حمایت اقتصاد مقاومتی و نیز زنانی که با توجه به رونق کار گروه اول، مایل به استفاده از تسهیلات اقتصاد مقاومتی بوده‌اند است. براساس مطالعه اسناد موجود در بسیج سازندگی سپاه ناحیه چالوس در سال ۱۳۹۴ تعداد ۲۵ نفر از زنان این شهرستان اقدام به اخذ تسهیلات اقتصاد مقاومتی نموده و فعالیت خود را در حوزه‌هایی که در جدول ۱ آمده است آغاز نموده‌اند. ضمن اینکه کلیه زنان مذکور از نحوه عملکرد و برداشت و فروش محصولات خود رضایت کامل داشته‌اند.

جدول ۱) درصد فراوانی زنان شاغل در شهرستان چالوس در سایه اقتصاد مقاومتی

نوع فعالیت	درصد
دام سنگین	۶۰٪
پرورش زنبور عسل	۲۰٪
قالی‌بافی	۴٪
صنایع تبدیلی	۱۶٪
مجموع	۱۰۰٪

در تحلیل استنباطی، برای تعیین ضریب همبستگی میان متغیر مستقل (اشتغال زنان در سایه اقتصاد مقاومتی) و متغیر وابسته (کاهش فقر شهری) اشتغال زنان در سایه اقتصاد مقاومتی و کاهش فقر شهری در شهرستان چالوس از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

ضریب همبستگی $0/74$ بیانگر همبستگی ناقص، خطی مثبت و شدید بین دو متغیر است. این امر نشان می‌دهد بین اشتغال زنان در سایه اقتصاد مقاومتی و کاهش فقر شهری در شهرستان چالوس (با ضریب همبستگی $0/74$) رابطه برقرار است. همچنین sig (سطح معناداری آزمون) برابر صفر نشان‌دهنده معنادار بودن همبستگی بین آنها است. چهار متغیر به‌عنوان متغیرهای وابسته و تحت تأثیر اقتصاد مقاومتی در شهر هستند که می‌توانند اثرات مثبتی را در شهر و کاهش فقر شهری ایجاد نمایند. برای آزمون تأثیر اشتغال و فعالیت اقتصادی با رویکرد اقتصاد مقاومتی در شهرستان چالوس بر چهار متغیر تعریف شده که در زیر نیز خواهند آمد، از آزمون تی تک نمونه‌ای شده است. برای این آزمون، ارزش آزمون برابر ۳ به‌عنوان حد متوسط انتخاب شده است که اگر اختلاف میانگین مثبت باشد نشان‌دهنده استفاده تأثیر بالاتر از حد متوسط اقتصاد مقاومتی بر معیارهای مورد بررسی است. اگر اختلاف میانگین منفی باشد نشان‌دهنده تأثیر پایین‌تر از حد متوسط اقتصاد مقاومتی بر معیارهای مورد بررسی است.

آزمون انجام شده:

جدول ۲ نشان‌دهنده تأثیر اشتغال زنان در سایه اقتصاد مقاومتی بر کاهش فقر شهری در چالوس است و جدول ۳ نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای تأثیر اشتغال زنان در سایه اقتصاد مقاومتی بر کاهش فقر شهری در چالوس را نشان می‌دهد

احساسات به یکدیگر نزدیک‌تر هستند و تصمیمات را با یکدیگر می‌گیرند. به عبارتی دیگر میزان مشورت شوهران زنان شاغل بیشتر از شوهران زنان خانه‌دار با همسران خود بوده است [Saedian, 2004: 134]. همچنین هر چه زنان بیشتر در مشاغل خود سرگرم و گرفتار باشند کمتر در فکر کودکان خود هستند. به عبارتی دیگر، نگرانی‌های زنان تا اندازه زیادی تحت تأثیر اشتغال کاهش می‌یابد و از آنجایی که داشتن فرزندان بیشتر موقعیت تحصیلی، تخصص و کارایی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هزینه‌های بیشتری را در بردارد زنان شاغل تعداد فرزندان خود را محدود می‌نمایند. سعیدیان [Saedian, 2004] نیز در پژوهش خود پیرامون اشتغال زنان و تغییر وضعیت زن در خانواده به نتایجی مشابه نتایج پژوهش فوق رسیده است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که بین اشتغال زنان و کاهش تعداد فرزندان ارتباط وجود دارد و کاهش فرزندان علاوه بر این که باعث پایدارتر شدن حضور زن در فعالیتهای اقتصادی خارج از منزل می‌شود، به آزاد شدن زنان از امور خانه‌داری نیز منجر می‌گردد. در واقع با محدودتر شدن تعداد فرزندان و افزایش حمایت‌های اجتماعی و توسعه مراکز مهد و پیش دبستانی وقت بیشتری برای کار و اشتغال به دست خواهند آورد. بنابراین می‌توان گفت یکی از پیامدهای اشتغال زنان تمایل به داشتن فرزندان کمتر است چرا که مادران شاغل فرصت کمتری برای پرداختن به امور فرزندان و تربیت آنها دارند. براساس مطالعات انجام شده در تهران روی ۱۰۲۰ نفر از زنان شاغل در سال ۱۳۵۱ در مورد دلایل اشتغال زنان بیشترین فراوانی را مسایل اقتصادی یعنی کمک خرج خانه و زندگی بودن مطرح نموده‌اند و برخی دیگر دلایل روانی، اعتبار اجتماعی با پرستیژ و استقلال زن را مطرح کرده‌اند [Masjedian, 1992: 94]. پژوهش حاضر در پی آن است که تأثیر اشتغال زنان در سایه اقتصاد مقاومتی را بر کاهش فقر شهری در چالوس بسنجد.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع تحقیقات توسعه‌ای کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی تحلیلی و مقایسه‌ای است. تعداد نمونه‌ها در این پژوهش ۱۰۰ نفر بوده که بخشی از آنها در طرح اقتصاد مقاومتی بسیج سازندگی ناحیه سپاه چالوس شرکت داشته و مابقی کسانی هستند که در این طرح حضور نداشته و برای کارآفرینی و دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی نیازمند یاری مالی و آموزشی هستند و از این طریق تحلیلی مقایسه‌ای نیز صورت خواهد پذیرفت. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها به بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌هایی همچون همبستگی پیرسون و تی تک نمونه‌ای مبادرت ورزیده شد. برای درک بهتر موضوع و متغیرهای مدنظر در هدف پژوهش، نگارندگان پرسش‌نامه‌ای تنظیم و در اختیار جامعه آماری قرار دادند تا نظرات آنها بررسی گردد. پایایی پرسش‌نامه براساس آزمون آلفای کرونباخ $0/831$ است که نشان از پایایی پرسش‌نامه دارد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسش‌نامه از آزمون آماری تی تک نمونه‌ای استفاده شد.

افزایش پس‌انداز، تأثیر اشتغال زنان بر کاهش فشارهای روانی و تأثیر اشتغال بر میزان رضایتمندی از خدمات ارائه شده اقتصاد مقاومتی به ترتیب برابر با ۳/۱۳، ۳/۷۴، ۴/۱۹ و ۳/۹۹ است که همگی این مقادیر بیشتر از میزان متوسط ۳ است. میزان تی در هر یک از متغیرهای مورد بررسی شامل تأثیر اشتغال زنان بر افزایش درآمد خانوار، تأثیر اشتغال زنان بر کاهش فشارهای روانی و تأثیر اشتغال زنان بر رضایتمندی از خدمات ارائه شده اقتصاد مقاومتی در جدول ۴ برابر ۱۵/۱۱۲، ۲/۰۲۲، ۱۱/۱۵۳ و ۱/۸۱ بوده و در همه این متغیرها، تی بزرگتر از ۱/۶۴۵ است. بنابراین می‌توان با سطح اطمینان ۹۵٪ ادعا کرد که تأثیر اشتغال زنان در سایه اقتصاد مقاومتی بر کاهش فقر شهری در چالوس بالاتر از ۳ است. یعنی این فرض که اشتغال زنان در سایه اقتصاد مقاومتی بر کاهش فقر شهری در چالوس تأثیر داشته است تأیید می‌شود.

جدول ۲) میزان همبستگی میان اشتغال زنان در سایه اقتصاد مقاومتی و کاهش فقر شهری در شهرستان چالوس

ضریب همبستگی پیرسون	۰/۷۴۰
سطح معناداری	۰/۰۰۱
تعداد نمونه	۱۰۰

جدول ۳) آمارهای توصیفی آزمون تی تأثیر اشتغال زنان در سایه اقتصاد مقاومتی بر کاهش فقر شهری در چالوس

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار
تأثیر اشتغال زنان بر افزایش درآمد خانوار	۱۰۰	۳/۱۳	۰/۸۹۵
تأثیر اشتغال زنان بر افزایش پس‌انداز	۱۰۰	۳/۷۴	۰/۹۱۰
تأثیر اشتغال زنان بر کاهش فشارهای روانی	۱۰۰	۴/۱۹	۰/۷۸۷
تأثیر اشتغال زنان بر میزان رضایتمندی از خدمات ارائه شده اقتصاد مقاومتی	۱۰۰	۳/۹۹	۱/۰۴۹

میانگین محاسبه شده در آمارهای توصیفی جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین اشتغال زنان بر افزایش درآمد خانوار، اشتغال زنان بر

جدول ۴) آزمون تی تک نمونه‌ای تأثیر اشتغال زنان در سایه اقتصاد مقاومتی بر کاهش فقر شهری در چالوس

شاخص	مقدار	درجه	سطح	اختلاف	فاصله از سطح اطمینان ۹۵٪
	آماره T	آزادی	معناداری	میانگین	پایین‌تر بالاتر
تأثیر اشتغال زنان بر افزایش درآمد خانوار	۱۵/۱۱۲	۹۹	۰/۰	۱/۱۹۰	۱/۰۳ بالاتر
تأثیر اشتغال زنان بر افزایش پس‌انداز	۲/۰۲۲	۹۹	۰/۰۴۶	۰/۱۹۰	۰ پایین‌تر
تأثیر اشتغال زنان بر کاهش فشارهای روانی	۱۱/۱۵۳	۹۹	۰/۰	۰/۹۲۰	۰/۷۶ بالاتر
تأثیر اشتغال زنان بر میزان رضایتمندی از خدمات ارائه شده اقتصاد مقاومتی	۱/۸۱	۹۹	۰/۲۴۰	۰/۱۰۰	-۰/۰۷- بالاتر

بحث

تحقیق حاضر با هدف ارزیابی نقش زنان در کاهش فقر شهری از طریق رویکردهای اقتصاد مقاومتی در شهرستان چالوس، به بررسی نظر زنان شاغل و یا علاقمند به فعالیت‌های اقتصادی در سطح محدوده مورد مطالعه پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که بین اشتغال زنان در سایه اقتصاد مقاومتی و کاهش فقر شهری در شهرستان چالوس (با ضریب همبستگی ۰/۷۴۰) رابطه برقرار است. همچنین سطح معناداری آزمون برابر صفر نشان‌دهنده معنادار بودن همبستگی بین آنها است. این امر با نتایج بدست آمده توسط فنی و فرج زاده [Fanni & Farajzade, 2014] نیز هم‌خوانی دارد. چهار متغیر به‌عنوان زیر متغیر وابسته (تحت تأثیر اشتغال زنان) در نظر گرفته شد. یافته‌ها نشان داد که اشتغال زنان بر افزایش درآمد خانوار موثر است. همچنین اشتغال زنان بر افزایش پس‌انداز نیز تأثیرگذار است. این امر با نتایج به دست آمده توسط علمی و روستایی شلمانی [Elmi & Roostai Shalmani, 2014] هم‌خوانی دارد. تأثیر اشتغال زنان بر کاهش فشارهای روانی نیز موثر است. این امر تا حدودی با نتایج به دست آمده توسط قادری و گندمکار [Gandomkar & Ghaderi, 2019] مطابقت دارد. تأثیر اشتغال بر میزان رضایتمندی از خدمات ارائه شده اقتصاد مقاومتی معادل ۳/۹۹ است.

نتیجه‌گیری

پس از تحلیل‌های صورت گرفته می‌توان این نتیجه کلی را بیان نمود که حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی می‌تواند به پویایی اقتصادی خانواده، شهر و کشور کمک نموده و از سوی دیگر توجه به اصول اقتصاد مقاومتی و نیز هدایت افراد و خصوصاً زنان به این عرصه می‌تواند جامعه‌ای شکوفا را شکل دهد.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تأییدیه‌های اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان: مجید سنایی (نویسنده اول)، پژوهشگر

اصلی/نگارنده بحث اصلی و تحلیلگر آماری (۷۰٪)؛ عیسی خواجه‌وند احمدی (نویسنده دوم)، پژوهشگر کمکی/ تحلیلگر بحث و نتیجه‌گیری (۳۰٪)

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

- Abdoli M (1993). System of managing urban community garbage and ways to control it. Tehran: Waste management organization press. Affairs Commission.
- Azkiya M (2009). Sociology of rural development and

- resistive economy [Published 2014, 10 June; Cited 2020, 19 March].
- Khalatbari (1985). Self-learning economy. Tehran: Shabaviz.
- Khomeini RA (1990). The last message, the political and divine of his holiness. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Press.
- Kooshkbaghi E [Internet]. Explication of resistance economy [Published 2016, 6 June; Cited 2020, 19 March].
- Masjedian M (1992). Study on employment, income, recreation, job satisfaction of women in Isfahan. Women's Makhber A, translator (1986). Local planning and rural development: Alternative approaches. Tehran: Planning and budget organization.
- Nakhaei M, Najarzadeh R (2003). Key terms in macro and micro economy. Tehran: Commercial Publications.
- Nasiri I (2014). Strategies for diminishing urban poverty with emphasis on local communities (Case study of Peykar Boroujeni Z [Internet]. Women's role in resistive economy [Published 2013, 5 December; Cited 2020, 19 March].
- Phillips R, Pittman RH (2009). A review of "an introduction to community development". New York: Routledge.
- Rafiean M, Khodae Z, Dadashpoor H (2014). Community capacity building as an approach in empowering social institutions. *Sociology of Social Institutions*. 1(2):133-160.
- Saeedian F (2004). Employment of women and the change of women's role in family. *Iranian Journal of Social Science Studies*. 3:134-149.
- Sheikhi MT (2009). *Sociology of women and family*. Tehran: Nay Publication.
- Yazdani MH (2005). Evaluation of women's attitude toward the importance of working in strengthening family relationship. *Iranian Journal of Social Sciences Studies*. 5.
- underdevelopment of Iran. Tehran: Etelaate. Bisimshahr neighborhood of Zanjan). *Urban Structure & Function Studies*. 2(7):107-125.
- Eighth International Conference on Women's Health. 2019, 4-5 December: Tehran, Iran.
- Elmi Z, Roostaei Shalmani K (2014). Impact of development on female economic participation in MENA countries by fractional panel Probit model. *Quarterly Journal of Economic growth and Development Research*. 4(14):28-11.
- Eskandari M [Internet]. Characteristics of a resistive economy [Published 2016, 5 April; Cited 2020, 19 March].
- Fanni Z, Farajzade M (2015). Female job empowering and urban sustainable development (case study: region18 in Tehran). *Journal of Geography and Urban Space Development*. 1(1):91-102.
- Gandomkar F, Qaderi M (2019). Study of employed and unemployed women's psychic health: A review study.
- Ghadiri Asl B (2012). *The basics of economy*. 9th ed. Tehran: Sepehr.
- Ghaffarpour D, Pourhatami Z [Internet]. Resistance economy: Strategies and techniques [Published 2014, 11 June; Cited 2020, 19 March].
- Hesari J [Internet]. The importance of women's role in economy [Published 2015, 10 March; Cited 2020, 19 March].
- Iravani MR (2005). Women, high educational system and employment. *Quarterly Journal of Quantitative economics*. 2(2):81-102.
- Jafari A, Ahangari M (2012). Strategy of resistance economy. National Conference on Examining and Explaining Resistive Economy. 2013, 6 March: Rasht, Gilan.
- Javaheri pour M (2003). Asian challenge of urban poverty. *Social Welfare Quarterly*. 2(6):84-96.
- Kamrani Rad A [Internet]. A comprehensive definition of